

بررسی مؤلفه‌ها و عناصر رئالیسم جادویی در رساله قشیریه و ترتیب‌السلوک و انعکاس آن در فرهنگ و هنر ایران قرن پنجم

چکیده

رئالیسم جادویی به نوعی شیوه روایی اشاره می‌کند که برای درهم آمیختن امر غیرممکن و باورناپذیر با دنیای روزمره است. از بهترین نویسندگان این سبک می‌توان به گابریل گارسیا مارکز از آمریکای لاتین اشاره کرد. در حوزه ادبیات عرفانی رئالیسم جادویی خود را به گونه‌های مختلف نشان داده است. کتاب‌های تذکره‌الاولیا، اسرارالتوحید و رساله قشیریه، گونه‌های بی‌نظیری از رئالیسم جادویی را در خود جای داده‌اند. بررسی عناصر رئالیسم در این آثار و انعکاس آن در فرهنگ و هنر این دوره روشنگر ماهیت رئالیسم در این دوره تاریخی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه مورد مطالعه کتاب‌های رساله قشیریه و ترتیب‌السلوک اثر ابوالقاسم قشیری است و زمان مورد پژوهش قرن پنجم هجری، زمان اوج تصوف و عرفان اسلامی در ایران است. نتایج حاصل از این پژوهش مبین این نکته است که حوادث فراواقعی و واقعی در رساله قشیریه و ترتیب‌السلوک طوری به انتخاب نویسنده در کنار هم قرار گرفته‌اند، که با وجود خارق‌العاده بودن، برای خواننده، غیرعادی نمی‌نماید. در هر دو اثر مواردی از عناصر رئالیسم جادویی چون ارتباط با عالم غیب، ارتباط با مردگان، آشنا زدایی و دیده می‌شود. امتداد این ویژگی ادبی را می‌توان در فرهنگ و هنر قرن پنجم نیز مشاهده کرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی عناصر رئالیسم جادویی در رساله قشیریه و ترتیب‌السلوک
۲. بررسی نمونه‌های رئالیسم در فرهنگ و هنر قرن پنجم هجری.

سؤالات پژوهش:

۱. عناصر رئالیسم جادویی در رساله قشیریه و ترتیب‌السلوک تا چه حد نمود داشته است؟
 ۲. آیا عناصر رئالیسم در فرهنگ و هنر قرن پنجم نمود داشته است؟
- کلیدواژه‌ها:** رئالیسم جادویی، رساله قشیریه، ترتیب‌السلوک، فرهنگ و هنر.

مقدمه

رئالیسم جادویی به نوعی هنر روایت اشاره دارد که به بازنمایی وقایع فراطبیعی و خارق‌العاده به مثابه بخشی از واقعیت روزمره می‌پردازد. جادو و امر جادویی ساخت‌هایی هستند که در بافت‌های فرهنگی معین شکل داده شده‌اند. از نگاه دیگر رئالیسم جادویی نوعی داستان جدید است که در آن حوادث افسانه‌ای و تخیلی به روایت وارد شده ضمن برآوردن تمایل رمان‌های جدید برای عبور از محدوده رئالیسم و اخذ انرژی افسانه، فرهنگ عامه و اسطوره بتواند لحن ثابت عینی را حفظ کند و در عین حال مناسبت‌های اجتماعی نیرومند دوره حاضر را هم از دست ندهد. نخستین بار فرانکس روه منتقد آلمانی (۱۹۶۵-۱۸۹۰) اصطلاح رئالیسم جادویی را برای اشاره به شکلی نوین از نقاشی پسااکسیرسیونستی دوران جمهوری وایمار به کار برد. گروهی بر این باور هستند که خورخه لوئیس بورخس نخستین نویسنده رئالیسم جادویی است. هرچند برجستگی آثار رئالیسم جادویی در آمریکای لاتین و نبوغ نویسندگانی چون کارپنتیر و مارکز در این زمینه باعث شد چنین تصور شود که رئالیسم جادویی خاص آمریکای لاتین است، اما نمی‌توان تأثیرپذیری این سبک را از اروپا نادیده گرفت. گروهی دیگر رئالیسم جادویی را خاص کشورهای جهان سوم می‌دانند که از ادغام اسطوره‌های بومی و واقعیت روزمره پدید آمده است. در ایران نیز نویسندگان بسیاری به این شیوه روی آورده‌اند. در حکایات اسرارالتوحید و رساله قشیریه و برخی از دیگر متون عرفانی ارواح مردگان با زندگان در تعامل هستند. آمیختن خیال و واقعیت در رئالیسم جادویی نه تنها در سیر داستان آشفستگی ایجاد نمی‌کند، بلکه خواننده را مجذوب داستان می‌نماید و برای این کار از افسانه‌ها و اسطوره‌های ملی نیز کمک می‌گیرد. انسان دیروز خیال‌پردازتر بوده و از این صفت تجارب دوست‌داشتنی از خود بجا گذاشته است. رئالیسم جادویی در متون حماسی و عرفانی بسیار دیده شده به طوری که بعضی وقایع زندگی بزرگان تصوف برای مردم امروز شگفت‌آور است. در عرفان، معرفت قدسی و ازلی، عارف را قادر می‌سازد که تا در هر جا خدا را ببیند. رئالیسم جادویی در واقع دریافت امر قدسی و کشف مفاهیم و مضامینی است که از عهده هر انسانی بر نمی‌آید. دیدن دنیایی از حقایق و جهانی که دیگران از درک شگفتی آن عاجزند. و این پدیده در عرفان و تصوف با انواع مختلف آن با فراوانی بسیار در طی قرون و اعصار مشاهده شده است. در پژوهش حاضر سعی بر این است که عناصر رئالیسم جادویی و پیدایی امر قدسی در دو اثر از کتاب‌های ابوالقاسم قشیری مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد. این پژوهش بصورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

بررسی‌ها نشان از آن دارد که تاکنون پژوهشی با عنوان «عناصر رئالیسم جادویی در رساله قشیریه و ترتیب السلوک نوشته نشده است اما تحقیقات مشابهی با عناوین زیر قابل توجه است: صحابی و داداشی (۱۳۹۸) در مقاله «شیوه-های شخصیت‌پردازی در حکایات فراواقعی رساله قشیریه» حکایات رساله قشیریه را بیشتر از نوع فراواقعی دانسته و معتقدند که قشیری در بیان حکایات خود از مؤلفه‌های داستان‌نویسی استفاده کرده است. در این پژوهش روش‌های شخصیت‌پردازی در حکایات رساله قشیریه به طور کامل توضیح داده شده است. ثروت (۱۳۸۰) در مقاله «کشف، کرامات و خوارق عادت» معجزه و کرامت را وجود امر خارق‌العاده یا نقض عادت می‌داند. او در این مقاله انواع کرامت را بر شمرده و اشراف بر ضمایر را جزء مهم‌ترین انواع آن می‌شمارد. کارآموز، و دیگران، (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی و تحلیل و مقایسه کرامات در کشف‌المحجوب و رساله قشیریه» ضمن تعریف کرامت و معرفی آن بعنوان یکی از مفاهیم پرتکرار در عرفان اسلامی به این نکته اذعان می‌دارند که هر چه مرتبه معرفتی شیخ بالاتر باشد، کرامات او نیز عجیب تر و مقام ولایی‌اش عظیم‌تر خواهد بود. پس گروهی از مریدان شروع به کرامت‌سازی کرده و چهره‌ای قدیس‌گونه از پیر خود ارائه داده‌اند.

نتیجه‌گیری

رئالیزم جادویی شیوه‌ای در داستان‌نویسی است که در آن عناصر فراعقلی در بستر داستان طوری قرار می‌گیرند که چون عناصر واقعی برای مخاطب قابل پذیرش می‌شوند. با ظهور سبک رئالیزم جادویی آثار ارزشمندی در جهان پدید آمد. در عرفان نیز عناصر رئالیزم جادویی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار هستند. از این میان کتاب‌های رساله قشیریه و ترتیب‌السلوک از شاهکارهای عارف نامی ابوالقاسم قشیری گونه‌های خاصی از عناصر رئالیزم جادویی را در خود جای داده‌اند. عرفان برای خیال ارزش فوق‌العاده قائل است و آن را شرط پذیرش واقعیت می‌داند. قشیری در رساله از عناصر بیشتری از سبک رئالیزم جادویی بهره برده است. او برای اثبات سخنان خویش بیش از هر چیز از سخنان و حکایات زندگی عارفان نامی استفاده کرده است. در رساله قشیریه از عناصر فراواقعی چون اطلاع از زمان مرگ خویش و دیگران، سخن گفتن مردگان، مرگ ارادی، امتزاج خیال و واقعیت، سکوت نویسنده، آشنایی‌زدایی، ارتباط با ماوراء و کرامت سخن رفته است. در مورد کرامت که عنصر مشترک اکثر آثار عرفانی است قشیری خود معتقد است که کرامت، خاص اولیا بوده و نشانه صدق ایشان است در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که قشیری در رساله از عناصر متنوعی از رئالیزم جادویی استفاده کرده است. در کتاب ترتیب‌السلوک نیز قشیری در سبک رئالیزم جادویی به عناصر سکوت نویسنده، درهم تنیدگی خیال و واقعیت، آشنایی‌زدایی پرداخته است. هم در رساله قشیریه و هم در ترتیب‌السلوک عناصر مشابهی از رئالیزم جادویی وجود دارد اما به سبب گستردگی دامنه کتاب رساله قشیریه عناصر رئالیزم جادویی در آن بیشتر از ترتیب‌السلوک مشاهده می‌شود. از سوی دیگر موضوع کرامات نیز در رساله قشیریه بیش از ترتیب‌السلوک نمود یافته است. تفاوت دو کتاب در حوزه رئالیزم جادویی بیشتر در گستردگی محتوا و عناصر رئالیزم جادویی در رساله قشیریه و محدود بودن عناصر در ترتیب‌السلوک است. روی هم رفته در متون عرفانی عناصر فراواقعی و رئالیزم جادویی بیشتر در قالب کرامت ظاهر می‌شود.

منابع:

- اتو، رودلف. (۱۳۸۰). مفهوم امر قدسی، ترجمه همایون همتی، تهران: نقش جهان.
- ثروت، منصور. (۱۳۸۹). «کشف کرامات و خوارق عادات»، فصل‌نامه تاریخ ادبیات، شماره ۲، صص ۲۷-۲۳.
- حاتمی، امیرحسین. (۱۳۷۹). «کرامات در اندیشه اسلامی و نقد معتزله بر آن». فصل‌نامه تاریخ و تمدن اسلام، شماره ۲۷، صص ۶۷-۹۶.
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۸۴). مکتب‌های ادبی، جلد اول، تهران: آگاه.
- خزاعی‌فر، علی. (۱۳۸۴). «رئالیزم جادویی در تذکره الاولیاء»، نامه فرهنگستان، شماره ۲۵، صص ۲۱-۲.
- رضایی هفتادار، غلامعباس و دیگران. (۱۳۹۲). «آشنایی‌زدایی و نقش آن در خلق شعر»، نشریه ادب عربی، شماره ۲، صص ۸۸-۶۹.
- شاهرودی، محمود؛ ملایی، احمد. (۱۳۹۸). «رئالیزم جادویی در اسرارالتوحید»، دو فصل‌نامه ادبیات عرفان تطبیقی، شماره ۵، صص ۱-۳۴.
- شریف‌زاده، محمدرضا؛ عقیلی، عالیه. (۱۳۹۸). «اخلاق در رساله قشیریه»، همایش ملی پیشرفت نوین در عرصه علم و فرا علم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). «آشنایی‌زدایی»، فصل‌نامه بخارا، شماره ۸۹، صص ۴۵-۲۱.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). نقد ادبی، ویرایش دوم، تهران: میترا.

صالحی، پرویز. (۱۳۹۸). «پژوهشی در صد سال تنهایی»، تهران: بهمن برنا.

صحابی، حکیمه؛ داداشی، حسین. (۱۳۹۸). «شبه‌های شخصیت‌پردازی در حکایات فراواقعی رسالاً قشیریه»، فصل - نامه پژوهش‌های ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۳۸، صص ۱۴۰-۱۱۹.

صفری، جهانگیر و دیگران. (۱۳۹۰). «پیوند متون عرفانی با رئالیسم جادویی»، فصل‌نامه مطالعات عرفانی دانشگاه کاشان، شماره ۱۴، صص ۱۲۲-۱۰۵.

عباسی، صدیقه و دیگران. (۱۳۹۷). «تحلیل کارکرد مفهوم انسان مذهبی میرچالیا در حکایت کرامات فارسی با تکیه بر اسرارالتوحید»، فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی، شماره ۵۰، صص ۲۶۵-۲۳۷.

علیمی، ماندانا؛ جاوید مظفری، سارا. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی رئالیسم جادویی در آثار داستانی منیرو روانی‌پور و رضا امیرخانی»، فصل‌نامه جستارهای ادبی تطبیقی، شماره ۸، صص ۱۲-۱.

قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). رساله قشیریه، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، چاپ ۱۱، تهران: علمی و فرهنگی.

قشیری، ابوالقاسم. (۱۳۹۷). ترتیب‌السلوک، ترجمه محمود رضا افتخارزاده، چاپ دوم، تهران: جامی.

فرضی، حمیدرضا؛ حسین‌پور، آرزو. (۱۳۹۵). «رساله قشیریه و مینی مالیسم»، فصل‌نامه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۲۳، صص ۱۵۵-۱۳۳.

کارآموز، فتحیه؛ اشرف‌زاده، رضا و تقوی، مجید. (۱۳۹۸) «بررسی و تحلیل و مقایسه کرامات در کشف‌المحجوب و رساله قشیریه» فصل‌نامه جستارهای ادبیات تطبیقی، شماره ۱۰، صص ۲۹-۱۰.

کافی، غلامرضا؛ جعفری، مرضیه. (۱۳۹۶). «شگردهای آشنایی‌زدایی در رمان بیوتن رضا امیرخانی». نشریه زیبایی‌شناسی ادبی، شماره ۳، صص ۲۸-۹.

کربلایی محمد، پروین. (۱۳۹۸). «بررسی کرامات شیخ ابوسعید ابی‌الخیر در اسرارالتوحید» فصل‌نامه تاریخ ادبیات، شماره ۸۲، صص ۱۵۶-۱۳۳.

گراس، گونتر. (۱۳۷۹). طبل حلبی، ترجمه عبدالرحمن صدریه، تهران: نشر نو قلم.

موسوی‌لر، اشرف‌السادات؛ نماز علیزاده، سهیلا. (۱۳۹۱). «چهره‌نگاری سلجوقی؛ تداوم فرهنگ بصری مانوی»، مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۳، صص ۱۰۵-۸۸.

مارکز، گابریل گارسیا. (۱۳۸۸). صد سال تنهایی، ترجمه بینا حکمی، تهران: پارسه.

میرصادقی، جمال. (۱۳۸۲). داستان‌نویسان نام‌آور معاصر ایران، تهران: اشاره.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۰). معرفت و امر قدسی، ترجمه فرزاد حاجی بابایی، چاپ اول، تهران: فروزان.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۵). در جستجوی امر قدسی، ترجمه سید مصطفی شهر آیینی، چاپ اول، تهران: نی.